

بہانہ راز

پژوہشی پیرامون نقش فردی و جمعی ذکر

مؤلف:

دکتر محمد باقر عبداللہی

عبداللهی، محمدباقر، ۱۳۳۵ -

بهانه راز (پژوهشی پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن) مؤلف: محمدباقر عبداللهی. - قم: فارس (الحجاز، ۱۳۸۵، ۵۳۶ ص.

بها: ۴۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۹۶۴-۹۶۲۹۴-۲-۴

کتابنامه به صورت زیرنویس

۱. ذکر - جنبه های قرآنی. ۲. ذکر - احادیث. الف. عنوان

ISBN: 964-96294-2-4

۲۹۷/۱۵۹

BP۱۰۴/۵۹۴۲ ۱۳۸۴



انتشارات
فارس الحجاز
۰۲۵۱-۷۷۱۶۱۶۱۲

کد: ۱۳

بهانه راز «پژوهشی پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن»

مؤلف: محمدباقر عبداللهی

چاپخانه: شریعت

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۶۲۹۴-۲-۴

نشانه الکترونیک: bagherabdollahi@Jmail.com

bagherabdollahi@yahoo.com

کلیه حقوق محفوظ است

مرکز پخش: قم، همراه ۰۹۱۲۲۵۲۰۲۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

تمنا

«اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَفْتِحُ مَقَالِي، وَبِشُكْرِكَ أَسْتَنْجِعُ سُؤَالِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فِي كُلِّ أَحْوَالِي، وَإِيَّاكَ أَمُلُ فَلَا تُخَيِّبْ آمَالِي» (۱)

خدایا با ذکر و یاد تو، گفتارم را آغاز می‌نمایم. و با سپاس از تو خواسته‌هایم را می‌طلبم. و در همه احوال بر تو، توکل می‌کنم. و فقط به تو امید بسته‌ام. پس آرزوهایم را به یأس مبدل مساز.

ای خدای من، چه کسی شیرینی محبت تو را چشید، ولی جز تو، دیگری را طلب کرد. و کیست که به قرب تو انس گرفت، پس از تو روی گردانید.

ای خدای من، ما را از کسانی قرار بده که برای قرب و ولایت خود، به صفا و پاکی برگزیدی، و برای دوستی و محبت خود، آنها را خالص و پاک نمودی و به ملاقات با خود تشویق کردی، و به قضای خود خوشنود ساختی. و دیدن رویت را به او عطا کردی، و به رضایت خود او را برگزیدی، و از فراق و هجران او را در پناه گرفتی، و در جایگاه صدق و راستی در پیشگاه خود، قرار دادی. و او را به معرفت خود اختصاص و به عبادت خود لیاقت و اهلیت بخشیدی، و دلباخته ارادت و دست چین مشاهده خودت گردانیدی، و تمامی توجهش را به خود جلب کرده، و دلش را برای محبت به خودت خالی کردی. و خواسته و رغبت او را در آنچه نزد توست قرار دادی. و به او ذکر و یاد خودت را الهام، و شکر و سپاس خودت را آموختی. و او را به طاعت خود مشغول کرده و

۱- حضرت امام سجاد علیه السلام، موسوعة الادعية، ج ۳، ص ۱۴۹، الدعاء ۹. اعداد، جواد القیومی
الاصفهانى، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ هـ. ق الطباعة: مؤسسة الطبع والنشر التابعة للآستانة الرضویة المقدسة

از نیکوکاران آفریدگان خویش گردانیدی. و او را برای راز و نیاز با خود انتخاب کرده، و از هر چیزی که او را از تو جدا کند، بریدی.

خدایا، ما را از آنانی قرار بده، که عادتشان این است که به تو خوشنود و شادمان شده و از دل، ناله شوق می‌کشند. دنیای آنها همه آه و ناله «شوق دیدار تو» است. پیشانی‌شان در برابر عظمت تو به سجده است. و چشم‌هایشان در پیشگاه تو بیدار، و اشک‌هایشان از خشیت تو جاری، و قلب‌هایشان به محبت تو وابسته و دل‌هایشان از هیبت تو از جا کنده است. ای کسی که نورهای قدسیت برای چشم‌های دوستانش بسیار روشنی بخش و گواراست. (۱)

خنک آن روز که در پای تو، جان اندازم عقل در دمدمی خلق جهان اندازم
نامه حسن تو، بر عالم و جاهل خوانم نامت اندر دهن پیر و جوان اندازم
تاکی این پرده جانسوز، پس پرده زخم تاکی این ناوک دلدوز نهان اندازم
درد نوغان غمت را چو شود مجلس گرم خویشتن را به طفیلی، به میان اندازم
گر به میدان محاکای تو جولان یابم گوی دل در خم چوگان زبان اندازم (۲)

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
بیان مقام ذکر	۱۵
روش تحقیق:	۱۸
هدف از تدوین کتاب	۲۰
بخش اول: کلیات ذکر	۲۵
فصل اول: معنی و مفهوم ذکر	۲۷
معانی ذکر	۲۸
۱ - معنای لغوی ذکر:	۲۸
۲ - معنای اصطلاحی ذکر	۳۰
ثمره مهم بحث:	۳۳
معانی دیگر ذکر	۳۵
فرق ذکر و فکر	۳۷
فصل دوم: ذکر کثیر	۳۹
فصل سوم: ذکر خفی و ذکر جلی	۴۵
فصل چهارم: مراتب ذکر	۵۱
ذکر زبانی تنها	۵۲

۵۳	ذکر عملی
۵۴	ذکر فکری
۵۵	ذکر قلبی
۵۷	فصل پنجم: ذکر به لحاظ ذاکر
۵۸	تسبیح خاص
۶۰	ذکر فقهی، اخلاقی، عرفانی
۶۱	فصل ششم: درجات و احکام ذکر
۶۱	درجات ذکر
۶۲	احکام ذکر
۶۳	فصل هفتم: مصادیق ذکر
۶۴	بسمله «بسم الله الرحمن الرحيم»
۶۵	تهلیل «لا اله الا الله»
۶۶	تسبیح «سبحان الله»
۶۷	تکبیر «الله اکبر»
۶۷	تحمید «الحمد لله»
۶۹	استغفار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»
۶۹	استعاذه «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»
۷۱	استرجاع «انا لله انا اليه راجعون»
۷۱	شرایط ذکر
۷۲	ذکر مذکور
۷۵	بخش دوم: ریشه‌ها و شاخه‌های ذکر
۷۷	فصل اول: ذکر و نیاز
۷۷	نیاز و نیایش
۸۵	فصل دوم: ذکر و تمنای خلود و جاودانگی
۸۹	خلود در ادیان و بعضی مکاتب

۹۲	زردشت و جاودانگی
۹۳	افلاطون و خلود
۹۴	مکتب گنوسی و ابدیت
۹۵	قرآن و خلود
۱۰۵	فصل سوم: تصوف و ذکر
۱۰۵	افراط و تفریط‌ها و ریشه‌ها
۱۱۸	ذکر در صوفیه
۱۲۱	بحث استطرادی
۱۲۱	هشدار
۱۲۳	یادآوری:
۱۲۳	یادآوری یکم:
۱۲۴	یادآوری دوم:
۱۲۶	نتیجه و خلاصه بحث:
۱۲۹	بخش سوم: کتاب تدوین (قرآن کریم)
۱۳۱	فصل اول: مقام و اهمیت ذکر در قرآن و حدیث
۱۳۵	علت مکان و اهمیت ذکر
۱۴۱	تفسیر بیان السعادة در ذیل آیه:
۱۴۳	فصل دوم: قرآن و خدا محوری
۱۵۱	فصل سوم: خدا و جهان در قرآن و حدیث
۱۵۱	ارتباط عالم با خدای تعالی
۱۵۲	کلمة الله
۱۵۸	وجه الله
۱۶۰	معنی وجه الله
۱۶۳	اسماء الهی
۱۶۹	آیات الهی

۱۷۷	فصل چهارم: اولین و آخرین ذاکر خداست
۱۸۵	فصل پنجم: مراد از ذکر در قرآن و حدیث
۱۸۵	ذکر قلبی
۱۹۷	بخش چهارم: کتاب تکوین - ذکر عقلی و نظری
۱۹۹	فصل یکم: آیات آفاق
۲۱۷	جهان فراز دست؛ آسمان‌ها
۲۲۵	تکریم و تسخیر
۲۲۷	تسخیر آیات تکوین در آیات تدوین
۲۳۱	خورشید؛ مأموری خدمتگزار
۲۳۶	آیه زمین
۲۳۹	حرکت و زمین
۲۴۱	گردش وضعی زمین
۲۴۵	حرکت زمین
۲۴۶	حرکت خانوادگی
۲۴۷	هوا
۲۵۴	زمین
۲۵۵	آب
۲۵۷	ویژگی‌های آب
۲۶۰	دریا
۲۶۴	اهمیت دریا
۲۶۷	آری سوگند
۲۶۷	خشکی
۲۷۲	زوج‌های بخشنده
۲۷۴	درک گیاه
۲۷۵	احساس گیاه

۲۷۸	گیاه و حافظه
۲۷۹	خلافت و ابتکار گیاه
۲۸۰	تلاش برای بقاء نوع
۲۸۷	فصل دوم: آیات انفس
۳۰۳	روح
۳۰۹	فصل سوم: والاترین مثل
۳۱۰	توان و قوت
۳۱۱	رحمت و رأفت
۳۱۲	جمال و زیبایی
۳۱۳	نور و روشنائی
۳۱۷	بخش پنجم: کتاب عمل، ذکر عملی
۳۱۹	فصل اول: محک تجربه
۳۲۷	فصل دوم: بایدها (واجبات)
۳۲۷	نماز
۳۲۸	روزه
۳۳۰	زکات، صدقه
۳۳۲	جهاد
۳۳۵	فصل سوم: نبایدها (محرمات)
۳۴۱	فصل چهارم: رخصتها (ذکر اختیاری)
۳۵۴	رو به آینه
۳۵۴	ذکر خدا هنگام تغییر و تحول در طبیعت
۳۵۵	ذکر خدا هنگام رو آوردن نعمت
۳۵۷	ذکر خدا در بهجت و سرور
۳۵۷	ذکر خدا در همه جا و در همه حال
۳۵۸	طهارت

۳۶۵	بخش ششم: موانع و عوامل ذکر
۳۶۷	فصل اول: معرفت و گنجی ناشناخته
۳۶۷	قدر نادانسته
۳۷۳	عظمت
۳۸۱	قدیر، قدرتی فراگیر
۳۸۴	دانای آگاه
۳۸۴	نکته:
۳۹۳	فصل دوم: بی‌خبری و آگاهی
۳۹۳	چرا من؟
۴۰۵	فصل سوم: باور سنتی و ایمانی دوباره
۴۰۸	باوری دوباره و ایمانی راسخ
۴۱۵	والای بزرگ
۴۱۶	خدا نور است
۴۱۹	سپاس و ستایش
۴۲۴	پیراستگی، تسبیح
۴۲۹	تسبیح خدای عزوجل در مناجات علی علیه السلام
۴۳۰	تقدیس و تسبیح علی علیه السلام از خدای عزوجل
۴۳۰	عفو، غفور
۴۳۲	استغفار
۴۳۳	توضیح:
۴۳۷	فصل چهارم: ضعف و بیماری، عافیت و سلامتی
۴۴۵	فصل پنجم: سستی و گسختگی، عزم و جزم
۴۴۹	فصل ششم: یأس و انس
۴۵۵	فصل هفتم: بدگمانی و اعتماد
۴۵۹	فصل هشتم: شیطان و پناه جویی
۴۶۲	شیطان و رسیدن ابراهیم به مقام خلیلی (خلت)
۴۶۵	پناه جویی و استعاذه

۴۶۹	بخش هفتم: نماز (ذکر کامل)
۴۷۱	فصل اول: جایگاه و اهمیت نماز
۴۸۳	فصل دوم: تکبیرة الاحرام
۴۸۵	بسم الله الرحمن الرحيم
۴۹۰	مقام و اهمیت بسم الله الرحمن الرحيم
۴۹۳	اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
۵۰۱	رَبِّ الْعَالَمِينَ
۵۰۳	مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
۵۰۶	اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
۵۰۷	اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
۵۰۹	سوره
۵۱۳	فصل سوم: رکوع و سجود (ادب، قرب)
۵۱۷	سجده
۵۲۱	فصل چهارم: شهادت و سلام
۵۲۲	سلام
۵۲۹	کتابنامه

مقدمه

بیان مقام ذکر

ندیم و مطرب و ساقی همه اوست
خیال آب و گل در ره بهانه
بده کشتی می تا خوش برانیم
از این دریای ناپیدا کرانه^(۱)

در ابتداء به نظر می‌رسد، بحث و گفتگو از «ذکر» بی‌نیاز و غیر ضرور باشد؛ چرا که ذکر نامی آشنا، یاری همراه، مونس زبان، که هرکسی به حسب حال و مقام و در نیایش‌ها و عبادت‌های خود، کم و بیش با آن سروکار دارد و از آن استعانت می‌گیرد و آرامش می‌یابد. با این وصف، آیا با وجود کتاب‌های دعا و مناجات و رساله‌های ویژه درباره ذکر چه نیاز و ضرورتی به نوشته‌ای دیگر است؟ مگر رساله جدید چه پیامی نو، ارمغانی تازه، باگروه‌ای از مشکلات عدیده اجتماعی می‌گشاید، و دردی را درمان می‌کند، تا صرف وقت خود و دیگران برای آن توجیه عقلایی و شرعی داشته باشد؟!

انسان، در امور زیر هیچ‌گونه تردیدی ندارد که:

الف، شخص خردمند حکیم، هرگز بر کارهای بیهوده و عبث، امر نکرده و فرمان صادر نمی‌کند.

ب، مقدار تأکید سفارش و دستور، و شدت و ضعف فرمان او، به اندازه اثر و متناسب با ثمر و نتیجه آن می‌باشد؛ و همیشه، در بین دو طرف توازن، هماهنگی و همخوانی در خور وجود دارد.

ج، دستور و فرمان حکیمانه اقتضا می‌کند که، امر و فرمان حکیم، در حد توان و استطاعت مأمور و دست رسی به مأمور به باشد.

خدای حکیم، در کتاب مبین خود، بسیار امر و سفارش به «ذکر» نموده است. آیا ثمره و محصول این ذکر کثیر چیست؟ و در کجاست؟

خدای دانای حکیم برای هر تکلیف و امری از طرف خود، حد و حصری را مشخص کرده است. نماز چند رکعت، روزه چند روز، زکات چه مقدار، حج با چه توان، تقوا چه اندازه و... ولی در امر به «ذکر» نه تنها حد و عدی مقرر نکرده است، و آن را به هیچ زمان و مکانی، سن و سالی، استعداد و توانی و... مقید ننموده است، بلکه سفارش و توصیه به هر چه بیشتر کرده است.

آیا سفارش و تکلیف بدون حد و حصر، چگونه ممکن است؟

آیا میان سفارش‌های مکرر و دستورهای مؤکد به «ذکر» با حاصل و برآیند آن چه توازن و تناسبی وجود دارد؟!

آیا این مکان و مکانیت «ذکر» چیست و در کجاست، که چنین سفارش‌ها و توصیه‌های جدی و پی‌گیر، از قرآن و سنت به همراه و به دنبال دارد؟!

با اینکه «ذکر» ورد هر زبانی، مونس هر غریبی و منجی هر غریقی است. و با همه انس و آشنایی که با آن وجود دارد؛ ولی باز فراموش شده و مورد غفلت قرار گرفته و ناشناخته مانده است.

«ذکر خدا» برای بقاء و ارتقاء حیات معنوی انسان، به مثابه آب و هوا برای ادامه و رشد زندگی مادی اوست.

وفوری و در دسترس بودن سهل و آسان آب و هوا به معنی غیر ضرور و کم‌ارزش و بی‌اهمیت بودن آنها نیست. بلکه گواهی روشن بر نیاز و لزوم آنهاست. و غفلت و عدم آگاهی انسان از اهمیت آب و هوا، چیزی از ضرورت آنها نمی‌کاهد، بلکه با اندکی مطالعه و تجربه و کمبود جزئی، به ارزش حیاتی و بهای وجودی آنها واقف خواهد کرد که هیچ‌گاه جسم انسان از آب و هوا بی‌نیاز و جدا نیست. با این

شرط که: آنچه مایه بقا و رشد زندگی مادی بشر می شود، آب و هوای پاکیزه و سالم است، نه آب و هوای آلوده و کدر، که چه بسا موجب پژمردگی، بیماری و مرگ او شود. کما اینکه انسان در امور زندگی مادی و معیشتی خود هیچگاه از ذکر و یادآوری بی نیاز نیست، و لحظه ای بدون ذکر نمی تواند به رتق و فتق امور خویش بپردازد. این ذکر و یادآوری است که انسان را به دنبال آب و نان کشانده و به خانه می رساند، و با آن خواسته خود را بیان می کند، و حرف های دیگران را درک می کند، و هر عمل ارادی و اختیاری دیگر را به دنبال ذکر و یادآوری انجام می دهد. ولی فراموشی، یعنی فراموشی خود و اطراف خود. انسانی که به فراموشی و نسیان گرفتار شده است، هیچ کاری را نمی تواند انجام داده و به پایان برساند. چرا که از آنها ذکر و یاد، نقشه و خاطره ای ندارد تا به دنبال آن روان گردد. انسان جویای چیزی است که طالب آن باشد، و اگر طلبی را در خود احساس نکند، یابنده آن نخواهد شد.

یاد و ذکر خدای حی و قیوم به انسان، وجود و حیات می بخشد، و با استمرار آن، به او حیات طیبه، جاودانگی و ابدیت می دهد. و فراموشی از او و غفلت از ذکر او، موجب دوری از سرچشمه حیات و بقاء شده، و رو به تاریکی و فراموشی و فروپاشی می گذارد.

ذکر خدا در حدی از درجه و مقام قرار دارد که بزرگ ترین و والاترین عبادت، یعنی نماز برای رسیدن به آن اقامه می شود. ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾^(۱) و قرآن کریم با همه شمولیت و فراگیریش بر امور دنیوی و اخروی انسان، جز «ذکر» چیز دیگری نمی باشد. ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾^(۲) و همچنین وجود رحمت و مبارک نبی مکرم ﷺ نیز ذکر می باشد. ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ

اللّٰه»^(۱) و همچنین سایر معصومین علیهم‌السلام و اولیاء الهی و... «ذکر» می‌باشند.

در حقیقت «ذکر» جان و روح نماز، عبادت، قرآن و... است. و هر کدام از این امور، بدون حصول ذکر خدا، بی‌ثمر و بی‌جان و روح خواهند ماند. آنچه این نوشته، در صدد تحقیق و تحقق آن است، اثبات مقام و ضرورت «ذکر» و جایگاه آن در قرآن و حدیث، و نقش سازنده «ذکر» می‌باشد. و کتاب الهی و سنت معصومین علیهم‌السلام به اقتضای حال و تناسب مسائل با جدّیت و پی‌گیری خاصی در صدد تحقق آن می‌باشند.

بیشتر جزوه‌ها و کتاب‌هایی که تا حال در باب «ذکر» نوشته شده اند، درباره «ذکر» به معنای خاص آن، یعنی: بسمله، تهلیل، تکبیر، حوقله و... می‌باشند، (که انشاء الله بیان خواهد شد که اینها مصادیق ذکر می‌باشند نه معانی ذکر) که در چه زمان و مکان‌هایی قرائت شوند، و چه آثار و فوایدی بر آنها مترتب است. ولی مراد این کتاب از «ذکر» به معنای عام و قرآنی آن می‌باشد.

روش تحقیق:

روند تدوین کتاب، ابتداءً و به ناچار، در بخش اول، به تعریف و حدود و ثغور موضوع و شناخت ابزار و لغات و اصطلاحات و... کلیدی دخیل در موضوع و متن می‌پردازد، و در مرحله بعدی و بخش دوم، ریشه‌ها و شاخه‌های «ذکر» را دنبال کرده و ضرورت‌های وجودی همه موجودات به ویژه انسان را به آن یادآور می‌شود. و در نهایت با آسیب شناسی مختصری در این وادی با هشدار و تذکارتی به متن کتاب و موضوع اصلی آن می‌پردازد. که این قسمت دارای سه مرحله و دوره است: مرحله اول، دوره آموزش توحید می‌باشد. کتاب و متن آموزشی انتخاب شده قرآن کریم است، که خدا و رسولش آن را بیان کرده و آموزش می‌دهند. و

دانش پژوهان این آموزشگاه، افراد اهل باور و تسلیم می‌باشند. ﴿وَكَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (۱)

﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا تَخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ﴾ (۲)

هدف نهایی و قصد عالی از این آموزش، معرفت و راه شناخت وصال و قرب به حق تعالی می‌باشد. این مرحله در حقیقت «آموزشگاه توحید» است.

مرحله دوم، که می‌توان آن را «نمایشگاه توحید» نامید. آنچه را یک مسلمان و مؤمن از کتاب تدوین آموخته و آموزش دیده است، در کتاب تکوین که به گسترده‌گی جهان آفاق و انفس است، به او نشان و نمایش داده شده است، که با تمام وجودش همه آن آموخته‌ها را می‌بیند و می‌شنود، لمس و تجربه می‌کند، و به واقع در می‌یابد و به حقیقت آنها اذعان کرده و یقین پیدا می‌کند.

﴿سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ، أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (۳) به زودی آیات و نشان‌هایمان را در سراسر گیتی و وجود خودشان به آنها ارایه و نمایش می‌دهیم، تا برای آنها روشن و آشکار گردد، که فقط او حق است آیا برای ایمان و تسلیم توبه پروردگارت، همین مقدار کافی نیست، که او را بر هر چیزی شاهد و مشهود می‌یابی؟!

در این نمایشگاه او در می‌یابد که آنچه در قرآن آمده و آموزش دیده است صرف افسانه و خیال پردازی و با سحر و جادو نمی‌باشد؛ بلکه حقایقی است که مصادیق بی‌شماری دارد، و می‌تواند داشته باشد. این نمایشگاه توحیدی همان کتاب تکوین است، که قرآن کریم کتاب تدوینی آن می‌باشد.

در این دو مرحله گروندگان، با گذراندن دوره‌های نظری و عقلی «ذکر» کاملاً توجیه و آماده می‌شوند، تا به مرحله سوم که «ذکر عملی» و «آزمایشگاه توحید» است، وارد

شوند. در این دوره است که سالک طریقت و طالب حقیقت و جویای معرفت با ذکرهای عملی خود که در احکام پنجگانه، وجوب، حرمت، مستحب، مکروه و مباح متبلور و ظهور پیدا می‌کند، در معرض امتحان‌های گوناگون قرار می‌گیرد.

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^(۱)

آیا مردم گمان کردند، به صرف اینکه گفتند، ایمان آوردیم، رها می‌شوند، و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟!

مؤمن سالک، مراحل و دوره‌های سه گانه فوق را به ترتیب، تدریج و هماهنگ با یکدیگر به سوی مقصود و معبود خویش، پیش می‌برد.

طبیعی است که برای وارد شدن در هر کاری و ادامه آن، نیاز به تعدادی دستورالعمل و سفارش، انداز و هشدار، برای دوری جستن از انحراف، ضرر و زیان، و راست و درست رسیدن به هدف، ضرورت دارد، که تحت عنوان موانع و عوامل ذکرارایه گردیده است. و در نهایت، با امتحانی جامع، شخص مؤمن، ادعای خود را در قالب نماز، و ذکر کامل به محک آزمایش درمی‌آورد.

هدف از تدوین کتاب

همیشه این سؤال برای اهل درد و خرد، مطرح بوده است، چرا ملتی که به خدای خالق علیم، حکیم، رحمان، رؤوف، عادل، فعال و... ایمان دارد و بهترین رهبران را همچون پیامبر رحمت ﷺ و علی علیه السلام در پیش دارد، و استوارترین کتاب آسمانی را برای هدایت در دست دارد؛ از نظر هنجارهای اجتماعی و فضائل اخلاقی و پیشرفت‌های علمی و... از ملت‌های بت پرست و ثنوی و تثلیث و... هم‌ردیف یا در سطح پایین‌تر و عقب‌تر می‌باشد؟! با توجه به اینکه شعائر و ظواهر را حفظ کرده و کم و بیش به تکالیف خود عمل می‌کند.

همان‌طور که هنجارشکنی‌ها، کژی‌ها، اعراض از خوبی‌ها، ارزش‌ها و

فضائل، و از طرفی، گرایش و یا تظاهر به دین‌گریزی، لاقیدی، رپی‌گری، هیپی‌گرایی و... برای یک جامعه اسلامی به دور از انتظار می‌باشد. ولی همه اینها دارای زمینه‌ها و ریشه‌های خاص خود می‌باشند؛ واقعیت‌های موجود، اخطار و هشدار دهنده این است که امت اسلامی به خاطر فقدان اموری، از مبدأ وحی، قرآن، اخلاق اسلامی و... به تدریج دور شده و به گناه و خطا، غفلت و قسوت، حیرت و سرگردانی و... روی آورده است. و لحظه‌ای نباید تردید کرد، که ناهنجاری‌ها و عقب افتادگی‌های موجود، هیچ‌کدام واهی نبوده، بلکه دارای علل و عواملی است که همه به برداشت نادرست و عمل ناصواب، از اسلام ناب برمی‌گردد. و به حتم خدای حکیم در کتاب مبین خود، دستورالعمل‌های شفاف‌بخش برای دفع و رفع چنین بیماری‌های مزمن و مهلک را صادر کرده است. و این نوشته در صدد بیان آنهاست.

اعتقاد ما بر این است که سرمنشأ و استمرار همه خوبی‌ها، خیرها، زیبایی‌ها، روشنایی‌ها و... خداست؛ و بدی‌ها، پلشتی‌ها، زشتی‌ها، تاریکی‌ها و... به خاطر دوری و فراموشی خداست. هر شخص و قوم و ملتی به اندازه ارتباط و اتصال به خدای تعالی، از او رحمت و برکت و خیر و روشنایی می‌گیرد. و به اندازه دوری و قطع ارتباطش با او، از مواهب و مراحم خدای متعال محروم می‌گردد. و به عبارت دیگر، برآیند همه کتب آسمانی و آمدن رسل الهی و... برای توجه دادن و ارتباط برقرار کردن بین خدای عزوجل و بندگان او می‌باشد. و در این توجه و ارتباط وثیق است که برای بندگان، رحمت، سعادت، رستگاری و... را به ارمغان می‌آورد. و این ارتباط و توجه چیزی جز «ذکر» و یاد خدا نمی‌باشد که قرآن و معصوم به آن اهتمام و سفارش اکید دارند. «ذکر» به معنای عام قرآنی که شامل خود قرآن و نماز و روزه و... پیامبران و اولیای الهی و همه پدیده‌های عالم بر حسب مراتب و درجات تذکر و یادآوری آنها می‌شود. پس مراد از «ذکر» در این کتاب، همان چیزی است که قرآن کریم بر آن ابرام و اصرار می‌ورزد؛ یعنی، همان حالت بیداری و آگاهی، توجه و حضور دائمی در پیشگاه خدای عزوجل. با این بیان مشخص است که «ذکر» اعم از

اوراد، اذکار، واجبات و محرمات، مستحبات و مکروهات، آیات تدوین و آیات تکوین، ذکر عملی، زبانی، فکری و... می باشد.

هر چیزی که انسان را به خدای تعالی توجه داده و قدمی به او نزدیک کند، «ذکر» است، و هر عملی ولو عبادی که بدون توجه و تذکر باشد، «ذکر» نیست و عملی عبث و ابتر خواهد بود.

به حقیقت همه نیازهای انسان، بهانه راز اوست. نیاز به نور و هوا، آب و غذا... همه بهانه است که انسان را به برآورنده این نیازمندی ها متوجه کند. تدبیر خدای حکیم چنین رقم خورده است که انسان از راه نیازهای بی شمار خود به پیشگاه خدای بی نیاز عرض حاجت کند و در آستانه او پیوسته حضور یابد، تا در این مسیر به هر بار، بر معرفت و قرب خود بیفزاید. پس بهانه راز است نیاز.

و این نوشته، بهانه ای است برای بیداری و هوشیاری، بهانه ای برای راز و نیاز، بهانه ای برای سیر و سفر به سوی ابدیت، به سوی خیر و خوبی، نور و زیبایی مطلق، به سوی حیات پاک و رستگاری، رضایت و آرامش دائمی.

و...

و این اثر، تقدیم به کسانی است که به واقع، عمر خود را همچون گل حسرت پائیزی می دانند. که دیر می شکوفد و دیری نمی باید و زود پژمرده می شود. و به تعبیر قرآن: «همانند یک چشم بر هم نهادن، بلکه زودتر می گذرد» می بینند. و از فنا و فراموشی در هول و هراسند، و میل به ابدیت و خلود دارند.

تقدیم به آزادگانی است که احساس می کنند، فشار و محدودیت زمان و مکان همچون چاهی بسیار عمیق و مضیق، آنها را در خود زندانی کرده و با پر و بالی بسته در تنگی جانگاه و خنای گلوگیر دچار شده اند، و در پی آنند تا رهایی یافته و در بلندای مکان و زمان به پرواز درآیند.

تقدیم به مهاجران غریبی است که در این دیار ناآشنایی، با کسی انس و الفت نمی گیرند، و غربت و تنهایی و اشتیاق به دیدار دوست، آنها را سرگردان کوه ها و

بی قرار صحراها کرده است، و لحظات انتظار را به سنگینی کوه‌ها تحمل کرده و درّهای شیدایی را دامن دامن بر قدومش نثار می‌نمایند.

تقدیم به حق پویانی که از پوچی و بیهودگی، از لُهو و لعب‌های سرگرم و تخذیرکننده و اغواگرکنونی به فریاد و ستوه آمده‌اند، و از عاطل و باطل ماندن هستی خویش به شدت نگران و گریزانند، و چیزی جز حق آنها را سیراب نکرده و آرام نمی‌بخشد.

تقدیم به راهیانی که عزم سفر کرده‌اند و به جستجوی زاد و توشه و دلیل راه می‌گردند، تا به همراه و راهنمای خود برگیرند.

تقدیم به تشنگان حقیقت و شیفتگان معرفت و دردمندان فراق دیده، که این مائده را به یکباره مصرف و اسراف نمی‌کنند. بلکه همچون دارویی جانفزا و مرحمی آرام بخش به تناوب و تدریج به سوی آن رفته، و آن را همدم و مونس دائمی برای خود برمی‌گزینند. و در ایام فراموشی و غفلت و سرگردانی آن را به کمک و راهنما انتخاب می‌کنند.

از خدای مهربان تمنا دارم که این نوشته را بهانه‌ای برای حرکت ایستادگان و قبسی برای سالکان و توشه‌ای برای همه اهل قبله قرار دهد.

فکرتی‌کان مستفاد از ذکر اوست

راهرو را سالک ره فکر اوست

صد هزاران معنی بکر آورد^(۱)

ذکر باید گفت تا فکر آورد